

## نقد و بررسی کتاب

### «ایمان‌گروی»

محسن جوادی\*

اکبری، رضا. (۱۳۸۴). *ایمان‌گروی*؛ نظریات کرکگور،  
ویتگنشتاین و پلانتینگا. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.  
شابک: ۹۶۶۴۷-۹۶۴-۲-۴. صفحات: ۲۸۹. قیمت:  
۲۳۰۰۰ ریال.

ایمان‌گروی بنا به تعریف مؤلف «نظریه‌ای است که براساس آن باورهای دینی نیازمند توجیه معرفت‌شناختی نیست» (ص ۱۴).  
مراد مؤلف از توجیه معرفت‌شناختی آنطور که از مطالب کتاب برمی‌آید همان استدلال و در واقع توجیه استنتاجی است.<sup>۱</sup>

ایمان‌گروی بنا به تعریف فوق دامنه گسترده‌ای دارد و در میان متفکران مسلمان هم نشانه‌هایی از آن وجود دارد، اما مؤلف محترم تنها به بررسی سه چهره برجسته در سنت ایمان‌گروی که مربوط به دوره جدیدند، پرداخته است. وی می‌گوید: «کرکگور در قرن نوزدهم، استدلال‌ها را بی‌ارتباط و حتی مضر به باورهای دینی می‌داند، ویتگنشتاین در اوائل قرن بیستم با تأکید بر نظریات فلسفی خود... همچون «بازی‌های زبانی» استدلال فلسفی را کاملاً بی‌ارتباط با باورهای دینی قلمداد می‌کند و پلانتینگا در دوره معاصر، گزاره «خداوند وجود دارد» را گزاره‌ای پایه و بی‌نیاز از استدلال تلقی می‌کند. (ص ۱۵).

\*. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم.

قم، جاده قدیم اصفهان، دانشگاه قم، گروه فلسفه. javadi-m@qom.ac.ir

مؤلف دانشمند در هر فصل ابتدا زندگی و آرای چهره مورد نظرش را گزارش کرده، سپس به بررسی نظریه ایمان گروانه او می‌پردازد. البته درباره حجم مطالب مربوط به زندگی و آرای سه نفر وحدت رویه وجود ندارد و مثلاً در مورد ویتگنشتاین (فصل دوم) در حدود پنجاه صفحه (تقریباً سه چهارم فصل) بدین منظور اختصاص یافته است ولی در مورد الوین پلانینگا چیزی در حدود دو یا سه صفحه.

نظریه ایمان گروهی کرگور در دو بخش سلبی و ایجابی تنظیم شده است که ساختاری منطقی دارد. ابتدا ادله کرگور بر ضد هرگونه برهان و استدلال درباره ایمان مطرح شده است و به بیان دیگر آفاقی یا عینی بودن راه به سوی ایمان نفی شده است و در بخش دوم بر ویژگی درونی بودن هرگونه سلوک به روی ایمان تأکید شده است.

در توضیح نظریه ایمان گروهی کرگور عمدتاً قطعه معروف از کتاب تعلیقه غیرعلمی نهایی مورد استناد قرار گرفته است و آثار دیگر وی ملحوظ نشده است.

تشبیه نظریه کرگور به شرطیه پاسکال (ص ۵۱) اگرچه تا حدی قابل قبول است ولی تفاوت بنیادی ضد آفاقی بودن نظریه کرگور را مخفی نگه می‌دارد. فرض اصلی شرطیه پاسکال فقدان شواهد آفاقی علیه وجود خداوند است در حالی که این موضوع در نظر کرگور مهم نیست.

وی در تبیین نظر کرگور به بررسی امکان باور به رغم نامحتمل بودن آفاقی آن می‌پردازد و به تفصیل در این باره سخن می‌گوید. برخی از نکات مؤلف در اینجا اگرچه در جای خود مهم‌اند ولی نفش چندانی در توضیح مسأله ندارند و بلکه اندکی فهم مطلب را دشوار می‌کنند. مثلاً بحث از تفاوت «اخلاق باور» با «معرفت‌شناسی فضیلت‌محور» (ص ۵۵ و ۵۶) یا تفاوت اخلاق باور با دیدگاه کسانی که مانند آیر یا جنرم در معرفت‌شناسی از مفاهیم اخلاقی استفاده می‌کنند (ص ۵۶) به علاوه تقسیمات مکرر در طی چندین صفحه (۵۷ تا ۶۳). در پایان فصل اول که به کرگور مربوط است مؤلف به اختصار دیدگاه جیمز را هم توضیح می‌دهد که به نظر می‌رسد کمبود مجال اندکی مطلب را غامض کرده است ولی در مجموع نقدهای دیدگاه کرگور خوب طرح شده است.

فصل دوم درباره ویتگنشتاین است که بر خلاف فصل اول در آغاز آن به تفصیل درباره وی و آرائش صحبت شده است (تقریباً پنجاه صفحه از هفتاد صفحه). احتمالاً دلیل این تفصیل استفاده‌ای است که در توضیح دیدگاه ایمان گروهی ویتگنشتاین از برخی از آراء وی مانند «نحوه‌های زندگی» و «بازی‌های زبانی» می‌شود ولی به نظر می‌رسد در قیاس با حجم مربوط به اصل مسأله (ص ۱۴۵ تا ۱۶۱) زیاد است. هرچند مؤلف محترم به اختصار اشاره‌ای به نفوذ پذیری کسانی مانند فیلیپس از ویتگنشتاین در باب نظریه غیرشناختی خود از زبان دین دارد (ص ۱۵۵) اما بهتر بود درباره اینکه آیا تفسیر ویتگنشتاین از ایمان دینی در نهایت رئالیستی است یا نه به تفصیل گفت و گو می‌شد؟

فصل سوم بدون مقدمه‌ای درباره زندگی و آرای پلانینگا به سراغ بررسی مسأله می‌رود و آرای وی را در دو مرحله مختلف با عنوان معقولیت و تضمین بررسی می‌کند.

در مرحله اول وی تأکید دارد با استناد به پایه‌بودن باور دینی شبیه باورهای پایه دیگر معقولیت باور دینی را نشان دهد و در مرحله بعدی با ارائه نظریه‌ای خاص درباره توجیه که متفاوت از قبلی است در

صدد است تا با تطبیق آن بر عقاید مسیحی از آن دفاع کند. در مجموع کتاب ایمان‌گروی که از معدود تک‌نگاری‌ها در باره ایمان‌گروی به زبان فارسی است، اثر ارزشمندی است که به رغم برخی کاستی‌ها امکان مناسبی برای فارسی‌زبانان فراهم می‌کند تا این موضوع را در تحولات جاری آن بررسی کنند.

### پی‌نوشت

۱. البته توجیه معرفت‌شناختی همانطور که از ص ۱۳۱ کتاب برمی‌آید اعم از توجیه استنتاجی است و در واقع باورهای پایه هم توجیه معرفت‌شناختی دارند و لذا بهتر بود در تعریف به جای مفهوم «توجیه معرفت‌شناختی» از «توجیه نظری یا استنتاجی» استفاده می‌کرد.